



## نظریه ی تعلیم و تربیت اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی (ره)

پدیدآورنده (ها) : امیر احمدی، محمد جواد؛ ارجمند، امید  
علوم قرآن و حدیث :: بلاغ مبین :: بهار و تابستان 1395 - شماره 46 و 47  
از 7 تا 32  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1373830>

دانلود شده توسط : لیلاحسنی [leyla.hasani@gmail.com](mailto:leyla.hasani@gmail.com)  
تاریخ دانلود : 05/10/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نظریه‌ی تعلیم و تربیت اخلاقی خواجه‌نصیرالدین طوسی (ره)<sup>۱</sup>

چکیده

فلسفه‌ی تعلیم و تربیت از حوزه‌های دانشی جدیدی است که از حوزه‌هایی چون فلسفه‌ی نفس (ذهن)، فلسفه‌ی اخلاق و ... تفکیک شده و استقلال یافته است. بحث‌های حکمت عملی و اخلاق در سنت فلسفی اسلامی از منابع بحث‌های تعلیم و تربیت به شمار می‌رود.

خواجه‌نصیرالدین طوسی با جایگاه ویژه‌ای که در بحث‌های حکمت عملی و اخلاق پژوهی در سنت اسلامی دارد، نمونه‌ی مناسبی برای استخراج نظریه‌ی تعلیم و تربیت فیلسوفان مسلمان است. در این مقاله سعی شده تا رئوس کلی نظریه‌ی تعلیم و تربیت خواجه‌نصیرالدین طوسی در یک چهارچوب منطقی بیان شود.

واژگان کلیدی: فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اخلاقی، حکمت عملی، اخلاق، خواجه‌نصیرالدین طوسی.

۱. محمدجواد امیراحمدی، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)

[amirahmadi@isu.ac.ir](mailto:amirahmadi@isu.ac.ir)

۲. امید ارجمند، کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

[arjomand1991@gmail.com](mailto:arjomand1991@gmail.com)

## ۱- مقدمه

فلسفه‌ی تعلیم و تربیت از حوزه‌های پژوهشی جدید وزنده است. در میان زمینه‌های مختلف تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت اخلاقی به دلیل اهمیت و تأثیر غیرقابل‌انکار جایگاه ویژه‌ای دارد. تعلیم و تربیت اخلاقی محمل نظریات گوناگون با پیش‌فرض‌های مختلفی است که هر یک نتایج و ثمراتی مخصوص به خود را دارد تا جایی که گاه این نظریات گوناگون در ناحیه‌ی نتایج متعارض هستند.

در سنت اندیشه‌ی اسلامی در بحث حکمت عملی، اندیشمندان به بحث‌های تعلیم و تربیت و در بخش اخلاق به بحث تعلیم و تربیت اخلاقی پرداخته‌اند. در میان اندیشمندان اسلامی خواجه‌نصیرالدین طوسی و تألیف برجسته‌ی وی اخلاق ناصری از مراجع بحث‌های حکمت عملی و اخلاق از دیرباز تاکنون بوده است. (ابوالحسنی نیارکی، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

## ۲- تعلیم و تربیت اخلاقی

فلسفه‌ی اخلاق، بیشتر متکفل پاسخ به پرسش‌هایی مانند «چیستی اخلاق»، «چرایی اخلاق»، «ویژگی اعمال و احکام اخلاقی» و «ملاک تشخیص عمل اخلاقی» است، ولی تربیت اخلاقی به این پرسش که «چگونه دیگران را اخلاقی کنیم؟» می‌پردازد. (ملکیان، ۱۳۸۸، درس‌های روان‌شناسی اخلاق، آدرس اینترنتی)

برای شخصیت و منش آدمی معمولاً پنج ساحت لحاظ می‌شود. باورها، عواطف، احساسات و هیجانات، اراده و خواست، گفتار، رفتار. با پذیرش رفتار بودن

گفتار، این ساحات به ۴ ساحت تقلیل می‌یابد. در تربیت اخلاقی مکاتب مختلف، هر یک‌بریکی از ۴ ساحت بیان‌شده، تأکید داشته‌اند.

## ۲-۱. رویکردهای باور محور

الف- رویکرد تبیین ارزش‌ها: این رویکرد بیان می‌کند که اگر ارزش‌های فرد برای او واضح و متمایز باشد، باعزت نفس و اطمینان بر اساس آن‌ها داوری خواهد کرد و نتیجه‌ی آن نیز یکپارچگی شخصیت است. از این نظر در این رویکرد توصیه به پذیرش ارزش‌هایی خاص نیست، بلکه تنها سامان‌دهی باورهای ارزشی موردنظر است. ۵ اصل مبنای این رویکرد است: ۱- ذهنی بودن ارزش‌ها و جدایی واقعیت و ارزش. ۲- سازگاری منطقی، آنچه مهم است سازگاری درونی ارزش‌ها باهم است نه با معیارهای بیرونی. ۳- خود پیروی، مهم این است که فرد خود به ارزش‌های پذیرفته‌شده‌اش رسیده باشد و این متأثر از عوامل بیرونی نباشد. ۴- معرفت همان فضیلت است، بر اساس این اصل در بحث شکاف معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی این رویکرد، مدافع دیدگاه سقراطی - افلاطونی است که اگر معرفت روشن و عمیق وجود داشته باشد، عمل بر وفق آن انجام خواهد پذیرفت. ۵- نسبت‌گرایی اخلاقی: در این رویکرد تنها آگاهی فرد نسبت به مجموعه ارزش‌های پذیرفته‌شده‌اش موضوعیت دارد و هیچ‌چیز عینی‌ای لحاظ نمی‌شود. (کریمی، ۱۳۹۴، صص ۱۶-۲۵)

ب- رویکرد رشد شناختی: رویکرد رشد شناختی همان تربیت اخلاقی برآمده از وظیفه‌گرایی کانت است. از نظر کانت، عقل قوانین اخلاقی‌ای را کشف می‌کند که جهان‌شمول هستند. رویکرد کانت وظیفه‌گرایی است و قائل است انگیزه‌ی

عمل مهم‌تر از نتایج آن است. با توجه به نظریه‌ی کانت رویکرد رشد شناختی را با توجه به یکی از تقریهای اصلی آن‌که نظریه‌ی پیاژه است، توضیح می‌دهیم. پیاژه برای رشد شناختی انسان ۴ مرحله ترسیم می‌کرد: ۱- حسی - حرکتی. ۲- پیش عملیاتی. ۳- عملیات عینی. ۴- عملیات صوری. هم‌ارز رشد شناختی، سه مرحله‌ی رشد استدلال اخلاقی را نیز قائل بود: ۱- پیش اخلاقی مقارن پیش عملیاتی، ۲- اخلاق دیگر پیرو معادل عملیات عینی، ۳- اخلاق خود پیرو معادل عملیات صوری. از نظر پیاژه، رشد و بلوغ اخلاقی مبتنی بر رشد و بلوغ شناختی است. پیاژه در تقابل با دورکیم که اخلاق را درونی سازی هنجارها و ارزش‌های فرهنگی خاصی می‌دانست، قائل بود که افراد محور اخلاق را که عدالت است، به‌طور طبیعی و فارغ از تعلقات فرهنگی، در رفتارهای خود بروز می‌دهند. به باور پیاژه، از آن نظر که قواعد اخلاقی، ریشه‌ی محکمی نزد کودکان ندارد، خودمداری موجب نقض قوانین اخلاق توسط آن‌ها می‌شود، درحالی‌که در مراحل بعد و مرحله‌ی خود پیروی که قواعد اخلاقی حاصل شده است، احتمال امور غیراخلاقی کاهش می‌یابد؛ و دیگر شکافی میان معرفت اخلاقی و عمل اخلاقی رخ نخواهد داد. این بیان پیاژه، تأکید بر دو نکته است: ۱- نقش شناخت در عقل و تربیت اخلاقی، ۲- تأثیرپذیری از کانت. (کریمی، ۱۳۹۴، صص ۱۷-۴۲)

## ۲-۲. رویکرد عاطفه محور

این رویکرد در تربیت اخلاقی متأثر از عاطفه گرایی در فلسفه‌ی اخلاق است. عاطفه گرایان معتقدند که گزاره‌های اخلاقی اشاره‌ای به امور واقع ندارند و صرفاً

بیان‌گر عواطف گوینده هستند؛ و همان‌گونه که بایان احساس خود تمایل داریم دیگران را نیز در احساس خود شریک گردانیم، بایان احساسات اخلاقی نیز تلاش می‌کنیم دیگران را ترغیب به داشتن احساساتی شبیه به خود کنیم. از این نظر پایه‌ی اخلاق در نظر عاطفه‌گرایان، حس هم‌دلی است.

رویکرد مراقبتی، در رویکرد مراقبتی، تحلیل مسئله‌ی اخلاقی، در مجموعه‌ای از روابط و زمینه محور صورت می‌گیرد و به‌جای اتکا به اصول و قواعد اخلاقی معین، بر اساس جزئی‌نگری و موقعیت‌نگری مسئله‌ی اخلاقی را تحلیل و تبیین می‌کند. بر اساس این نظریه، اصول کلی اخلاقی بی‌فایده و دسترس‌ناپذیرند و یا منتزع از همان موقعیت‌های جزئی هستند. اخلاق مراقبتی به‌عنوان اصل راه‌نمای رفتار اخلاقی، تأکید می‌کند که همواره باید در پی گسترانیدن شبکه‌ی حمایتی خود بود؛ و به نیازهای شخص متعلق مراقبت توجه کرد. از این نظر به‌جای تکیه‌ی کامل بر اصول، بر اولویت‌ها تکیه دارد. در این رویکرد اگرچه اخلاق مردانه عدالت محور و اخلاق زنانه مراقبت محور خوانده می‌شود، اما این دو رویکرد محدود به جنس خاصی نمی‌شود؛ و هر دو ویژگی لازمه‌ی هر دو جنس تلقی می‌شود؛ و شخص باید در زمینه‌ای از هر دو نگرش در حرکت باشد. (کریمی،

۱۳۹۴، صص ۴۲-۶۱)

۲-۳. رویکرد اراده محور

رویکرد اراده محور بیشتر بانام ارسطو و اخلاق فضیلت او گره‌خورده است؛ و معمولاً نظریه‌ی ارسطو مساوی رویکرد سنتی در تربیت اخلاقی پنداشته می‌شود. ولی ظاهراً این پیش‌فرض‌ها نادرست است و می‌توان تقریرهای مختلفی از اخلاق

فضیلت سامان داد و بر مبنای آن‌ها نظریات مختلفی را در تربیت اخلاقی صورت‌بندی کرد. در اینجا بر همان نظریه‌ی ارسطو که نظریه‌ی مهم و مشهور در میان تقریرهای گوناگون است و باقی نظرات در مواجهه‌ی با آن صورت‌بندی شده است اکتفا می‌شود.

رویکرد سنتی، دو ویژگی عمده در رویکرد سنتی هست: ۱- تأکید بر تلقین در برابر خود پیروی فاعل اخلاقی. ۲- گستره‌ی مفهومی اخلاق که شامل تمامی عرصه‌های اعمال و رفتارهای انسانی است، برخلاف رویکردهایی که اخلاق را صرفاً در روابط اجتماعی، یا زندگی شخصی منحصر می‌دانند. به بیان دیگر چون فضیلت اخلاقی، صفتی است که نزد هر انسانی از آن‌رو که انسان است مطلوب است، فضایل هم امور اجتماعی و هم امور فردی را دربرمی‌گیرد. پیش‌فرض رویکرد سنتی وجود قواعد اخلاقی برای همه‌ی موقعیت‌هاست و اعمال اخلاقی دارای ضوابط روشنی هستند که هم در مرحله‌ی شناخت قطعیت دارند و هم در مرحله‌ی انتقال. از این نظر تعارض میان قواعد اخلاقی نیست بلکه میان قواعد اخلاقی و امیال متعارض با آن‌هاست. از این نظر معرفت برای عمل لازم است اما کافی نیست. چون ارسطو مجموعه‌ای از عوامل را علاوه بر معرفت در عمل دخیل می‌داند مانند تخیل، میل، شوق و ... در این رویکرد جایگاه اموری مانند تمرین، تکرار، عادت و ملکه‌سازی که همگی ناظر به تقویت اراده هستند روشن می‌شود. به واسطه‌ی پیش‌فرض ذات‌گرایانه‌ی ارسطو آن را تربیت منش هم می‌گویند که بر اساس آن تربیت اخلاقی، پرورش ملکات و صفات پایه است و

ملکات و صفات تبعی در مرحله‌ی متأخر حاصل می‌شود. (کریمی، ۱۳۹۴، صص

۶۱-۷۴)

## ۲-۴. رویکرد رفتار محور

به‌طورکلی رفتارگرایی با فرض زائد بودن ذهن و حالات ذهنی، سعی در تبیین انسان و رفتارهای او دارد. از این نظر تنها به رفتارهای فیزیکی و در دسترس می‌پردازد و از حالات خصوصی و دسترس‌ناپذیر و ارجاع رفتارها به آن احتراز می‌جوید. رفتارگرایان رفتار انسان را با توجه به تحریک‌های فیزیکی متأثر از محیط و رفتارهای پیشین او بر اساس روابط ای که وجود دارد تبیین می‌کنند. الگوی پرکاربرد در این تبیین‌ها، الگوی شرطی‌سازی است. حتی تفکر نیز در این رویکرد گفت‌وگوی آرام با خود است.

رویکرد رفتارگرایی، در این رویکرد رشد اخلاقی اساساً یعنی رفتار اخلاقی و تربیت اخلاقی از ابتدای کودکی آغاز می‌شود. این رویکرد همسو با رویکرد سنتی و با زمینه‌ای متفاوت، معتقد است تربیت اخلاقی اولیه، تمرین، ملکه‌سازی و شرطی‌سازی و اساساً امری غیرعقلانی است. رفتارگرایان به پیروی از تجربه‌گرایانی چون لاک، بارکلی و هیوم انسان را در ساحت شناخت و عواطف لوح سفیدی می‌پندارند که شکل‌گیری آن حاصل زیست در محیط است. طبق این رویکرد، تأمین انگیزه‌ی رشد اخلاقی، از بیرون وجود انسان است و فرد در برابر تغییرات بی‌اختیار است. برای تغییر رفتارهای اخلاقی باید محیط را تغییر داد و تقویت‌کننده‌های محیطی را در راستای ارزش‌های مورد خواست اخلاقی جامعه تنظیم کرد.



در برابر رویکردهای باور محور که عموماً شکاف میان باور اخلاقی و عمل اخلاقی را غیر مهم تلقی می‌کنند، این شکاف در رفتارگرایی بسیار جدی است، چون آگاهی از درستی یا نادرستی رفتار نمی‌تواند نوع رفتار را در شرایط عملی خاص که عوامل بیرونی هم دخیل‌اند، تعیین کند. (کریمی، ۱۳۹۴، صص ۷۹-۷۴)

خواجه‌نصیرالدین طوسی در بحث اخلاق متعلق به رویکرد اراده محور و اخلاق مبتنی بر فضیلت است. این امر تا حدود زیادی به پیشینه‌ی مشایی وی بازمی‌گردد. البته خواجه در تبیین و تحریر بحث‌ها شارح صرف نمانده است و در بسیاری موارد دارای نوآوری‌هایی است. (کیانی و نصرآبادی، ۱۳۹۰)

۳- نظریه‌ی تعلیم و تربیت اخلاقی خواجه‌نصیرالدین طوسی (ره):

در نظام اخلاقی خواجه‌نصیرالدین طوسی ره به‌طورکلی تربیت اخلاقی دو رکن مهم دارد:

۱- شناخت فضایل و رذایل و رفتارهای اخلاقی و ضد اخلاقی

۲- کاربست شیوه‌هایی برای تقویت یا تضعیف آن‌ها.

۳-۱. اهداف تعلیم و تربیت

۳-۱-۱. اهداف غایی

الف- مقصد و هدف نهایی تعلیم و تربیت در نظر خواجه: سعادت است که خیر مطلق انسان است و بالذات مطلوب او. خیر مطلق از آن نظر که مطلوب بالذات آدمی است، تحقق برترین کمال ممکن برای انسان نیز هست. از نظر خواجه هدف

غایی در تربیت اخلاقی که تمام کوشش‌های فرد ناظر به آن است، قرب حضرت حق تعالی است.

ب- از نظر خواجه سعادت امری دارای مراتب است: و سطح سعادت فرد بسته به سطح پیشروی وی در مراتب سعادت است.

ج- سعادت چهار بعد:

۱. جسمی

۲. عقلی

۳. اخلاقی

۴. مدنی

و دو ویژگی جامعیت و دارای سطح بودن را دارد.

از آن جهت که دارای مراتب و سطوح است، تحقق آن نمی‌تواند به یکباره باشد و امری در زمان است و از آن جهت که ناظر به سطوح مختلف آدمی است متضمن جامعیت است. (نوروزی، ۱۳۹۰، ص ۲۳)

۳-۱-۲. اهداف میانی

اهداف میانی یا واسطی در واقع سازوکارهایی هستند که برای رسیدن به سعادت که هدف غایی است، ضروری‌اند. از نظر خواجه برای حصول سعادت چهار نوع فضیلت ضروری است:

۱. نظری که حاصل رشد و شکوفایی عقل نظری است.

۲. فضیلت فکری یا حکمت عملی که حاصل رشد و شکوفایی عقل عملی است.

۳. فضایل اخلاقی که نتیجه‌ی رشد و توسعه‌ی گرایش‌هاست.

۴. فضیلت حرفه‌ای که مربوط به رشد عملی است. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، صص

۲۲۲-۲۲۷)

از نظر خواجه اهداف میانی نیز این موارد است:

الف- تهذیب قوه‌ی شهوی:

اولین قوه‌ای است که در کودک بروز می‌یابد و از پایه‌ای‌ترین مراحل در تربیت اخلاقی است. از تهذیب این قوه، فضیلت عفت و در پی آن سخا و بعدازآن سیرت لذت حاصل می‌شود.

ب: تهذیب قوه‌ی غضبی:

تهذیب این قوه پس از قوه‌ی شهوی لازم است، تهذیب این قوه منتج به فضیلت حلم، شجاعت و سیرت کرامت می‌گردد؛ و فرد را از کارهای با خطرپذیری زیاد، جاه‌طلبی، زورگویی و استثمار بازمی‌دارد.

ج- تهذیب قوه‌ی ناطقه:

تهذیب این قوه به‌وسیله‌ی کسب معارف یقینی میسر است و در تهذیب آن، فضیلت علم و سیرت حکمت حاصل می‌آید.

درنهایت از ترکیب این سه قوه باهم به‌صورت متناسب فضیلت عدالت حاصل می‌آید.

(نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، ص ۹۶)

۳-۲. اقسام اهداف تعلیم و تربیت

از دیدگاه دیگر هم خواجه در ذیل مطالب درباره‌ی تعلیم و تربیت فرزندان، به صورت مخصوص به اهداف تربیت اخلاقی اشاره می‌کند؛ که سه قسم است. (رهنما،

۱۳۸۵، ص ۶۳)

۳-۲-۱. اهداف تأدیبی:

۱- زمینه‌سازی: از نظر خواجه مرحله‌ی زمینه‌سازی، بعد از دوران شیردهی و قبل از شروع فهم اخلاقی کودک است، چون کودک به حسب نقص در طبیعت اش، فارغ از تربیت، گرایش به اخلاق ناپسند دارد.

۲- پرورش قوه‌ی حیا: پرورش این قوه اولین مرحله بعد از زمینه‌سازی است. این قوه اولین قوه از ناطقه یا رشد عقلانی کودک است و بروز آن خود دلیلی است بر تربیت‌پذیری انسان. نشانه‌ی بروز این قوه ایجاد قدرت تشخیص در انسان نسبت به کارهای مجاز و غیرمجاز در یک سطح ابتدایی است.

۳- ایجاد ویژگی‌های خوب: از آن نظر که کودک در یک مرحله تقلید و تبعیت در او غلبه دارد، از این نظر باید به سمت هم‌نشینی با نیکان هدایت گردد.

۴- حفظ کرامت و حرمت نفس کودک: در تربیت کودک از نظر خواجه، تشویق بی‌شک امری کارساز است اما چون زمینه‌ی تربیت، اخلاق است، نباید صرفاً به امور مادی و مالی در تشویق توجه شود.

۳-۲-۲. اهداف آموزشی یا تعلیمی:

از نظر خواجه در آموزش هدف‌گذاری لازم است و تربیت اخلاقی بدون محتوا میسر نیست و نمی‌توان صرفاً به کودک مفاهیم اخلاقی و روش‌های زیست اخلاقی را آموخت و باید این روش‌ها و مفاهیم در قالب یک محتوا باشد.

این ارائه‌ی محتوا دو مرحله دارد:

در مرحله‌ی اول که هنوز فرد به درک اخلاقی نرسیده است، ارائه‌ی محتوا باید در قالب قواعد کلی باشد و دریافتش توسط مخاطب ناآگاهانه صورت می‌گیرد.

در مرحله‌ی دوم که فرد به درک اخلاقی رسیده است، مرحله‌ای است که فرد شروع به تعلم حکمت می‌کند و در این مرحله که به رشد اخلاقی رسیده است، تعدد محتواها بدون اشکال است.

در مرحله‌ی اول خواجه قائل است در زمینه‌ی محتوا باید سنت‌ها و فرائض دینی مبنا باشد و این محتوا در قالب شعر و هنر القا شود که ماندگاری آن بیشتر است. اهمیت مرحله‌ی کودکی در تثبیت زیست اخلاقی امری است که مورد اذعان متخصصان تعلیم و تربیت است.

۳-۲-۳. اهداف تفهیمی:

از نظر خواجه پرورش قوه‌ی فهم در تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان نقش اساسی دارد. در این مرحله فرد نسبت به تربیت اخلاقی و محتوایی که پیش‌تر به‌طور غیرآگاهانه در وی تثبیت شده است، آگاهی می‌یابد. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷،

صص ۲۲۲-۲۲۷)

۳-۳. ساحت‌های تعلیم و تربیت:

بر وفق ابعادی که برای سعادت به واسطه‌ی کسب فضائل ترسیم شد می‌توان به کشف ساحت‌های موردنظر فیلسوفان مشاء و خواجه در تعلیم و تربیت پرداخت.

۳-۳-۱. تعلیم و تربیت عقلانی:

ساحت اول خود در دو ساحت جزئی‌تر قابل‌بررسی است:

الف- در ناحیه‌ی عقل نظری؛

ب- در ناحیه‌ی عقل عملی.

از منظر خواجه هدف تربیت عقل نظری دو امر توأمان است:

۱- پرورش عقل نظری در جهت توانمندسازی آن در شناخت حقایق؛

۲- هم‌چنین علم به حقایق به‌حسب مراتب عقل.

رشد عقلانی نیز مراتبی دارد:

۱- عقل بالمکه؛

۲- عقل بالفعل؛

۳- عقل بالمستفاد.

تربیت عقل عملی در راستای همان تربیت عقل نظری است، با این تفاوت که در روش متفاوت است. در برابر تربیت عقل نظری که مبتنی بر آموزش و روش برهانی است، مبتنی بر آموزش عملی و روش تجربی است.

## ۲-۳-۳. تعلیم و تربیت اخلاقی

هدف غایی تربیت اخلاقی که هدف ساحات دیگر نیز هست همان سعادت است و هدف نهایی خاص ساحت اخلاقی، رشد و پرورش فضیلت‌های پایه‌ای است. فضیلت‌های بنیادین پیش‌تر مورد بحث قرار گرفت که عبارت بود از عفت، شجاعت و عدالت و در نظر برخی حکمت. به بیان دیگر هدف نهایی تعلیم و تربیت اخلاقی، پرورش خلق فاضل که حاکمیت عقل است، می‌باشد.

## ۳-۳-۳. تعلیم و تربیت مدنی

هدف تعلیم و تربیت مدنی بسته به نوع جامعه‌ی حاکم در دودسته‌ی کلی قابل بیان است:

۱- در صورت حاکمیت جامعه‌ی فاضله، هدف تعلیم و تربیت مدنی، آماده‌سازی افراد برای زیست در جامعه‌ی فاضله، به‌عنوان یک عضو فعال است که مستلزم برخورداری از دانش‌ها و پذیرش باورها و رفتارهای مطلوب جامعه است و وظیفه‌ی مربی، پرورش این کمالات است.

۲- اما در جامعه‌ی غیر فاضل، وظیفه‌ی مربی توانمندسازی افراد برای از میان بردن نظام غیر فاضل و برپایی نظام فاضل است.

## ۴-۳-۳. تعلیم و تربیت حرفه‌ای

از نظر خواجه نصیر تربیت حرفه‌ای امری ضروری است و البته بخشی از نظام کلی تعلیم و تربیت نه همه‌ی آن. وظیفه‌ی تعلیم و تربیت حرفه‌ای آماده‌سازی اعضاء

برای تصدی حرفه‌ای است و مبنای آن، استعداد و تلاش و کوشش متربی و نیازهای جامعه است؛ فارغ از طبقات و امور غیر اکتسابی دیگر.

### ۳-۳-۵. تعلیم و تربیت جسمانی

در نظر خواجه تعلیم و تربیت جسمانی، فی‌نفسه ارزشمند نیست، بلکه تنها در طریق صحت و توانمندسازی جسمانی ضروری و مفید هستند، زیرا تحقق اهداف تعلیم و تربیت در ساحات پیش‌گفته بدون برخورداری از قوت و صحت جسمانی یا غیرممکن و یا دشوار است. تمثیل معروفی که بدن را مرکب راهوار روح می‌داند از تمثیل‌های مکرر در متون اخلاقی مشاء است. (رهنما، ۱۳۸۵، ص ۴۵)

### ۳-۳-۵. اصول و روش‌های تربیت اخلاقی

اصول تربیت، قواعد همگانی و دستورالعمل‌های کلی است که راهنمای عمل واقع می‌شود. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۸) به برخی از روش‌های تربیتی موردنظر خواجه اشاره می‌شود.

### ۳-۵-۱. شرافت، کرامت و ارزشمندی انسان؛

از نظر خواجه انسان دارای سرشت ویژه‌ای است و این سرشت ویژه که سویه‌ای قدسی هم دارد باید در تمام مراحل تربیت اخلاقی مورد لحاظ باشد.

### ۳-۵-۲. اصل اقتدا به طبیعت طفل؛



انسان دارای سه قوه شهوی، غضبی و ادراکی است که این قوا به تدریج بروز می‌یابند و این بروز تدریجی باید در تربیت اخلاقی مورد لحاظ باشد و بر این اساس تربیت اخلاقی ابتدا باید در مورد قوه شهوی باشد و بعد از آن قوه غضبی و در نهایت قوه عاقله.

۳-۵-۳. غلبه‌ی قوه‌ی عاقله بر دیگر قوا

پیش‌تر به آن اشاره شد. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، صص ۶۳ و ۱۵۰ و ۱۰۸)

۳-۶-۳. هدف، محتوا و روش‌های آموزش

۳-۶-۳.۱. هدف آموزش

از نظر خواجه هدف آموزش در مرحله‌ی اول فهم و درک مباحث نظری و در وهله‌ی بعد کاربست آن‌ها در زندگی عملی است. البته در مرحله‌ی متأخر از این دو مرحله، توانایی اجرای این امور در دیگر افراد و در جامعه نیز مد نظر است.

۳-۶-۳.۲. محتوای آموزش

از نظر خواجه مواد آموزشی برای نخبگان علوم عقلی برهانی و برای عموم مردم علوم اقناعی است که متناسب با جامعه و زمانه تغییر پذیر است.

۳-۶-۳.۳. روش‌های آموزش

مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های آموزش در نظر خواجه این موارد است:

۱- گفت و گو: که دو صورت کلی دارد:

الف- برهانی؛

ب- اقناعی.

- ۲- تقلید: در این شیوه شاگرد با مشاهده‌ی رفتار استاد خویش، مطالبی را می‌آموزد.
- ۳- تلقین: آموزش از راه تلقین به معنای آموختن مطلبی توسط دانش آموز، با اتکا و اعتماد به معلم است.
- ۴- تمرین و تکرار: در این جا باید میان تمرین و تکرار که از فنون آموزشی است با تکرار و تمرین که از روش‌های یادگیری است فرق گذاشته شود.
- ۵- پرسش و پاسخ: روشی است که در آن القای محتوا توسط پاسخ به پرسش‌های دانشجویان و مخاطبان است.
- ۶- شرح و توضیح: در این روش برخی از یک مطلب مکتوب بعد از قرائت توسط مدرس و معلم و مربی شرح داده می‌شود.
- ۷- شعر: کارکرد القای محتوا در قالب شعر بیشتر به خاطر جذب مخاطب برای شنیدن مطالب بوده است. (داودی، ۱۳۹۴، ج ۲، صص ۶۷-۹۲)

۳-۷. یادگیری و انواع آن

۳-۷-۱. سطح اعلی

- در این نوع یادگیری، عقل عملی با کمک قوه‌ی متخیله متصل به غیب می‌شود و علوم جزئی و عملی را مستقیم از عالم غیب دریافت می‌کند.
- عقل نظری نیز به توسط قوه‌ی قدسی به عالم عقول مرتبط شده و حقایق عقلی را فارغ از تعلیم و تفکر دریافت می‌کند. پیامبران الهی علوم خود را با این نوع

یادگیری در مراتب بالای آن و حکما برخی علوم خود را در مراتب پایین آن ازین طریق به دست می آورند.

۳-۷-۲. سطح عالی

در این نوع یادگیری معقولات کلی به توسط عقل نظری و معقولات علوم جزئی به توسط عقل عملی دریافت می شود.

۳-۷-۳. سطح پایین

سه ویژگی عمده ی این سطح از یادگیری این است:

۱- حاصل آن، معرفت های جزئی است.

۲- این معارف لزوماً دقیق و مطابق با واقع نیستند.

۳- نقش اصلی در این یادگیری مربوط به حواس ظاهری و وهم است.

۳-۸. عوامل زمینه ساز یادگیری

۳-۸-۱. استعداد

در ۳ زمینه بحث استعداد مطرح شده است:

الف- عقلی: علم به امور معقول تنها به توسط حد وسط میسر است و وصول به حد وسط یا از راه آموختن است یا هوش غیر اکتسابی. هوش در این معنا چیزی جز توانایی حدس نیست. آموزش ها هم جز فراگیری حدس های دیگران نیست. از این نظر که تعلم امور معقول، وابسته به حدس است، استعداد عقلی افراد در وصول به حد وسط به لحاظ کمی و کیفی متفاوت است.

ب- تخیل: افراد توسط متخیله‌ی خود، در فرآیند تعلم، مطالب را در قالب مثال‌های محسوس و قابل فهم درمی‌آورند و بیان می‌کنند.

ج- حفظ و یادآوری: برای برخی یادگیری و برای برخی یادآوری سهل‌تر است.

۳-۸-۲. صفای نفس

براساس مبانی مباء، یادگیری در واقع از طریق ارتباط با عالم علوی و افاضه‌ی علم از مجردات صورت می‌پذیرد و تفکر و تعلیم صرفاً زمینه‌ساز این ارتباط هستند. از این رو صفای نفس بی‌شک در سهولت ارتباط با عالم بالا مؤثر است.

۳-۸-۳. قوت و شرافت نفس

تقویت نفس باعث تمرکز قوای نفس در مسیر یادگیری و ممانعت از هدر رفت نیروهاست.

از سوی دیگر با توجه به نقش ارتباط با عالم علوی در فرآیند تعلم، تقویت نفس موجب ارتباط آسان‌تر و سریع‌تر با عالم ملکوت می‌شود. (داودی، ۱۳۹۴، ج ۲،

صص ۹۳-۱۱۰)

۳-۹. روش تعلیم و تربیت

روش تعلیم و تربیت از نظر خواجه تکرار کردن برای رسیدن به ملکه است، البته از نظر وی سبب وجود ملکه دو چیز است، یکی طبیعت و دیگری عادت و خلق

گاهی مستند به طبیعت و گاهی هم به عادت است. در هر صورت ایجاد عادت و ملکه در مرتبی توسط مربی باید آگاهانه صورت گیرد. (فراهانی، ۱۳۸۰)

روش های تربیت اخلاقی از نظر خواجه دو دسته است، روش های عام و روش های خاص؛ و روش های عام خود به دو دسته ی روش های پرورش فضایل و روش های زدودن رذایل تقسیم می شود.

۳-۹-۱. روش های عام پرورش فضایل و زدودن رذایل

روش های پرورش فضایل، از نظر خواجه این هاست:

۱- دور کردن مرتبی از افرادی که از اعتدال اخلاقی بیرون هستند و معاشرت دادن مرتبی با کسانی که از نظر قوای نفسانی معتدل اند.

۲- پرهیز از گوش سپاری به داستان ها و سخنان ناشایست و شرکت در مراسم لهو و لعب.

۳- پرهیز از تهییج و تحریک قوه ی غضبیه و شهویه که این دو در حال طبیعی و در مواقع نیاز تحریک می گردند و تحریک آن ها خارج از روال و حوزه ی طبیعی، کنترل آن ها را از دسترس فرد بیرون می برد.

۴- ایجاد اعتدال در دو قوه ی غضبیه و شهویه.

۵- انجام کارهای نیک چه در بعد نظری و چه در بعد عملی تا آن جا که به صورت عادت و ملکه درآیند.

۶- تلاش در جهت یافتن عیب های پنهان خویش.

۳-۹-۲. روش های خاص پرورش فضایل و زدودن رذایل

خواجه روش های خاصی نیز برای برخی از رذایل مهم تر بیان می دارد مانند:

۱-حیرت؛

۲- جهل بسیط و مرکب؛

۳- بزدلی؛

۴- ترس؛

۵- افراط در شهوت. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۳-۱۶۳)

۳-۱۰. برخی نکات ناظر به نظام تعلیم و تربیت اخلاقی خواجه نصیر

۳-۱۰-۱. منشا پیدایش خلق

همان طور که پیشتر بیان شد خلق ملکه ی راسخ در نفس است که رفتار متناسب با آن، به آسانی و بی نیاز از تأمل صادر می شود. منشأ پیدایش خلق در نفس دو مورد است:

۱- طبایع آدمیان- از نظر خواجه انسان ها به طور طبیعی و غیر اکتسابی و فارغ از تأثیر از محیط، تربیت و ... از نظر اخلاقی متفاوت هستند. از این نظر رفتار هرکس نمودار آمادگی بیشتر وی در زمینه ای از خلیقات اعم از مثبت و منفی است.

۲- عادت: تکرار فعل در نفس موجد دو حالت است، یا حال که سریع الزوال است و یا ملکه که پایداری دارد.

از نظر خواجه به منظور تخلق به فضایل، باید رفتاری متناسب با آن فضیلت به صورت پیوسته صورت پذیرد تا به تدریج آن خلق در نفس از کیفیت حال به عادت و در نهایت ملکه بدل شود و در نفس راسخ بماند. به عنوان قاعده ی کمی، در اتصاف به صفتی و یادگیری امری، تکرار و توجه پیوسته نقش اصلی و اساسی دارد. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳-۱۶۳)

۳-۱۰-۲. درونی بودن گرایش انسان به خیر و شر هر دو

از نظر خواجه در نفس انسان، گرایش به خیر و شر، هر دو وجود دارد و از این نظر زمینه ی صعود و سقوط هر دو برای وی فراهم است. به دلیل وجود همین گرایش دوگانه در انسان، وجود افرادی که انسان را از توجه به شقاوت باز دارد و به سوی سعادت هدایت کنند، ضرورت دارد که این افراد مریبان و معلمان اند. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، ص ۶۴)

۳-۱۰-۳. اراده و اندیشه دو خاستگاه تربیت در انسان

از نظر خواجه با توجه به این که نیروی اراده و اندیشه خاستگاه اخلاق است؛ صرف فطرت عامل رهنمونی به سوی اخلاق نیست مگر با نیروی تعقل و به تبع ادراک ارزش های اخلاقی. با توجه به آن چه بیان شد تربیت اخلاقی معنا، مفهوم و اهمیت می یابد.

از این نظر و با توجه به فرآیند رشد انسان، خواجه قائل است که تربیت کودک در ابتدا باید به شکل تأدیب، اجبار، عادت و ملکه باشد تا بعد از آن در مرحله ی

نوجوانی و جوانی که فرد دارای ادراک و تعقل می‌شود، تربیت اخلاقی، مبنای استدلالی بیابد. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۰۵)

۳-۱۰-۴. تربیت پذیر بودن انسان

از نظر خواجه خلق قابل تغییر است و طبیعی نیست. علم تربیت، جزء صناعات بشری است که عملکرد آن، تکمیل طبیعتی است که ساخته و پرداخته‌ی خداوند است. انسان به توسط الهام از طبیعت و به کمک نیروی اندیشه قادر است برای خویش، طبیعت ثانیه‌ای پدید آورد. این که عقلا به تربیت کودکان و جوانان می‌پردازند، نشانه‌ی صحت پذیرش تغییر خلق در انسان است. (طوسی، ۱۳۸۷، صص ۵۷ و ۵۸)

۳-۱۰-۵. انواع کمال و انحراف در انسان

از آن نظر که نفس ناطقه‌ی انسانی که در تعلیم و تربیت مورد نظر است، دو گونه استعداد دارد یکی استعداد علمی و دیگری استعداد عملی، کمال مطلوب در تربیت انسان هم دو گونه است، یکی کمال علمی و دیگری کمال عملی. کمال علمی از نظر خواجه در انسان این است که شوق او به سوی ادراک معارف و نیل به علوم باشد تا به مقتضای این شوق، احاطه‌ی علمی به مراتب موجودات به قدر توانایی خویش بیاید تا در نهایت به معرفت حقیقی نائل گردد؛ و از آن پس به مقام توحید، بلکه بالاتر اتحاد دست یازد؛ اما کمال عملی انسان هم این است که قوا و افعال خویش را مرتب و منظم گرداند، به گونه‌ای که مطابق و موافق یکدیگر باشند. (همان)



در برابر کمال از نظر خواجه انسان دو نوع انحراف اخلاقی دارد که یکی بیشتر در آثار سایر تابعان ارسطو وجود داشته است و دیگری ابداع خواجه است.

۱- انحراف کمی و مقداری از اعتدال در قوا که منجر به بیرون آمدن از حد وسط و رفتن به سوی افراط و تفریط می شود.

۳- انحراف کیفی که ناشی از خلل و نقصان کیفی است که به آن ردائت یا پستی اطلاق می شود. از نظر خواجه لحاظ انحراف کیفی در انسان پاسخ گوی بسیاری اشکالات نظریه ی اعتدال است. (مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۲، ص ۳۰۵)

۳-۱۱. نتیجه ی سخن

با بررسی و مرور نظام تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی به دست می آید که ایشان آگاهانه درصدد تنظیم و ترسیم یک نظام جامع تعلیم و تربیت مبتنی بر منظومه ی فکری مشاء و سنت دینی اسلامی بوده اند.

نظام تعلیم و تربیت خواجه نصیرالدین طوسی علاوه بر کل گرا بودن و جامعیت، جزئی نگر و دقیق نیز هست و این از خصوصیات بسیار مثبت نظام تعلیم و تربیت خواجه نصیرالدین است. اساسا بحث تعلیم و تربیت باید در عین مسبوقیت به یک نظام نظری کل گرایانه، جزئی نگر نیز باشد و برای مسیر انسان در سلوک رفتاری برنامه ی پیشینی و مشخص ارائه کند.

منابع

۱. ابوالحسنی نیارکی، مرضیه، ۱۳۹۳، نوشته های خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق؛ تحلیل انتقادی-تطبیقی جامع از آثار اخلاقی وی، تاریخ فلسفه، زمستان، شماره ی ۱۹
۲. باقری، خسرو، ۱۳۸۲، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، بی تا
۳. داودی، محمد، ۱۳۹۴، فلسفه ی تعلیم و تربیت مشاء، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۴. رهنما، اکبر، ۱۳۸۵، مقایسه ی دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی در باب اخلاق، مجله ی تربیت اسلامی، بهار و تابستان، شماره ی ۲
۵. عاملی نوروژی رضا، ۱۳۹۰، تربیت اخلاقی، بررسی تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبرگ، معرفت اخلاقی، بهار، سال دوم، شماره ی دوم
۶. کریمی، روح الله، ۱۳۹۴، حلقه ی کند و کاو اخلاقی، تربیت اخلاقی در برنامه ی فلسفه برای کودکان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. کیانی، سمیه و بختیار نصرآبادی، حسنعلی، ۱۳۹۰، اهداف، اصول و روش های تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال نوزدهم، شماره ی ۱۲
۸. ملکیان مصطفی، ۱۳۸۸، درس های روان شناسی اخلاق، تهران، نشر خوارزمی

۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۷، اخلاق محتشمی، تهران، دانشگاه تهران.

۱۰. نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، اخلاق ناصری، تصحیح مینوی و حیدری، تهران، خوارزمی، چاپ ششم.

